

بررسی تطبیقی بررسی نقش واسطه‌گری هوش معنوی در رابطه بین سبک‌های هویت و
هوش هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان بم

**The Role of Mediating Spiritual Intelligence in the Relationship between
Identity Styles and Emotional Intelligence in School Students of
Bam City**

Ahmad Valikhani

MSc in Clinical Psychology, Faculty
of Education Sciences and
Psychology, Shiraz University

**Mohammad Saleh
Mohammadabadi***

MSc in Clinical Psychology, Faculty
of Education Sciences and
Psychology, Shiraz University
salehmo30@yahoo.com

Mahsa Maleki Majd

Master of General Psychology,
Allameh Tabataba'i University

احمد ولیخانی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده

علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

محمد صالح محمدآبادی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده

علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

مهسا ملکی مجد

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه

علامه طباطبایی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای هوش معنوی در رابطه بین سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) یا هوش هیجانی بود. بدین منظور ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دختر) از دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان بم به روش نمونه-گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های سبک‌های هویت، هوش معنوی و هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاته پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با هوش هیجانی و معنوی رابطه‌ی معنادار و مثبت داشتند، اما سبک هویت اجتنابی با هیچ یک از آنها رابطه‌ی معناداری را نشان نداد. همچنین هوش معنوی با هوش هیجانی رابطه-

Abstract

The aim of current study was to investigate the mediating role of spiritual intelligence in the relationship between identity styles (i.e. informational, normative, and avoidant) and emotional intelligence. The population consisted of all higher school students at Bam city. The sample included 200 students (100 girls, 100 boys) who were recruited through convenience sampling method. Research instruments were Identity Styles Scale, Spiritual Intelligence Scale, and Emotional Intelligence Questionnaire. Data were analyzed using Structural Equation Modeling (SEM). The Results showed that there is a significant and positive relationship between informational and normative identity styles with spiritual and emotional intelligences, but there is no significant relationship between avoidant identity styles and those variables. Also, there is significant relationship between spiritual intelligence and emotional

intelligence. The results of structural equation analysis showed that spiritual intelligence mediated the relationship between informational and normative identity styles with emotional intelligence. Based on these results, it can be concluded that normative identity style and somewhat informational identity style can effect on adolescent's emotional intelligence through spiritual intelligence.

Keywords: identity styles, emotional intelligence, spiritual intelligence, adolescent

ی معنادار و مثبت داشت. نتایج مدل واسطه‌ای نیز نشان داد که هوش معنوی واسطه‌ی رابطه‌ی بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با هوش هیجانی قرار گرفت. بنابراین، با توجه به نتایج مطالعه‌ی حاضر می‌توان ادعا کرد که سبک هویت هنجاری و تا حدی سبک هویت اطلاعاتی به واسطه‌ی هوش معنوی بر روی هوش هیجانی نوجوانان تأثیر می‌گذارد. **واژگان کلیدی:** سبک‌های هویت، هوش هیجانی، هوش معنوی، نوجوانان.

مقدمه

نوجوانی^۱ بهترین دوره برای رشد هیجان‌ات مثبت و مهارت‌های آموزشی است، چرا که نوجوانان در این دوره برای یافتن هویت و شخصیت آینده‌ی خود به جست‌وجو می‌پردازند. با این وجود، نوجوانی را اغلب دوره‌ی خاصی می‌دانند که با ظهور و تشدید اشکال متفاوتی از اختلالات رفتاری و هیجانی مانند بسیاری از مشکلات درونی سازی (افسردگی، اختلالات خوردن)، مشکلات برونی‌سازی (بزهکاری، خشونت) و اختلالات اعتیاد (سوء مصرف الکل، سوء مصرف دارو) همراه است. از این‌رو، وظیفه‌ی عمده‌ی منش در این دوره حفظ ما در تغییر از دوران کودکی به بزرگسالی است و اینجاست که به رشد هوش هیجانی^۲ نیاز است. اما هوش هیجانی نیز به تنهایی نمی‌تواند ما را از شکاف بزرگ بین کودکی و بزرگسالی کمک کند؛ بلکه آن نیاز به هوش معنوی^۳ دارد تا درباره‌ی اینکه چه چیزی هستیم و چه چیزهایی برای ما معنی دارند دانش داشته باشیم (حسینی، الیاس^۴، اریک کراس^۵ و ایشا^۶، ۲۰۱۰). البته در این دوره از زندگی گذشته از هوش هیجانی و معنوی به نظر می‌رسد نقش هویت نه تنها

¹- adolescence

²- emotional intelligence

³- spiritual intelligence

⁴- Elias

⁵- Eric Krauss

⁶- Aishah

غیرقابل انکار است، بلکه به گواه تحقیقات و نظریات روانشناختی از اهمیت شایان برخوردار است.

هوش هیجانی شامل توانایی‌هایی مانند برانگیختن فرد، کنترل تکانه، استقامت در برابر تسلیم، تعدیل خلق‌وخو و پرهیز از استرس‌های مخرب به‌منظور جلوگیری از اختلالات تفکر است. به‌عبارت دیگر هوش هیجانی توانایی فرد در شناخت هیجان‌های خود و دیگران و ابراز مناسب هیجان‌های خود است (بار-اون^۱، ۱۹۹۷). هوش هیجانی عامل مؤثر و تعیین‌کننده در برآیندهای زندگی واقعی چون موفقیت در مدرسه و تحصیل، موفقیت در شغل و روابط بین شخصی و به‌طور کلی در سلامت روان است. بعلاوه، هوش هیجانی بالا با سلامت هیجانی، سازش‌یافتگی و سلامت روانی بیشتر همبسته است و با اختلال‌های روانی رابطه معکوس دارد. افرادی که در تنظیم هیجان‌های خود و دیگران مهارت دارند قادر خواهند بود از خویش در برابر تنش‌ها محافظت کنند و مواردی مانند افسردگی، ناامیدی و افکار خودکشی در آنان کمتر راه پیدا می‌کند (آستین^۲، ساکلوفسک^۳، هانگ^۴ و مک‌کنی^۵، ۲۰۰۴؛ ساموئل^۶، ۲۰۱۰؛ جونکر^۷ و وسلو^۸، ۲۰۰۸). از این‌رو، به دلیل اهمیت هوش هیجانی به ویژه در دوره نوجوانی شناخت عوامل و متغیرهای همبسته با آن در این دوره دارای اهمیت است. از متغیرهای مهم در رابطه با هوش هیجانی، هویت و انواع سبک‌های مشتق از آن و هوش معنوی هستند.

رشد هیجانی وابسته به رابطه‌ی اولیه بین والد و کودک است. گذشته از رابطه‌ی فرد با والدین ذهن انسان به‌طور تاریخی در رابطه‌ی هیجانی دیگری نیز درگیر می‌شود: روابط شخصی با خدا (یا چیزی الهی). هر فرایند موثر آموزش و پرورش باید تحت تأثیر قرار گرفتن تجربیات هیجانی با الهی را در نظر بگیرد. تعدیل و رشد هیجانی بعد از آن با سرعت بسیار آهسته‌تر در داخل بافت روابط بزرگسالان دیگر شامل رابطه‌ی فرد با وجودی الهی ادامه می‌-

1- Bar-On

2- Austin

3- Saklofske

4- Huang

5- McKenney

6- Salami

7- Jonker

8- Vosloo

یابد. در این رابطه‌ی هیجانی مانند روابط با دیگران، مغز انسان عناصر همان دلبستگی را به‌کار می‌برد و گذرگاه‌های جدیدی ایجاد و سازمان‌دهی شده و در نهایت هوش هیجانی رشد می‌یابد (گولا^۱، ۲۰۰۴). از سوی دیگر، بار- آن و پارکر^۲ (۲۰۰۰) معتقدند که هوش هیجانی بر نحوه‌ی ادراک ما از خودمان تأثیر می‌گذارد. همچنین گیتونی^۳ (۱۳۸۰) در تعریفی که از هوش هیجانی بیان می‌دارد، آن را به هویت^۴ ربط داده و بیان می‌کند هوش هیجانی، عبارت از شناخت تکاملی هیجان که هدف آن یکپارچه کردن سیستم شناختی و سیستم هیجانی انسان به منظور برقراری تعادل هویت است. بنابراین، با توجه به مطالب بالا در این مطالعه فرض شده است که یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده‌ی هوش هیجانی فرد، نوع سبک هویت^۵ وی است که می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق تأثیر بر هوش معنوی یا نظرگاه فرد در رابطه با خود، زندگی و جهان بر هوش هیجانی یا نوع کنش و واکنش هیجانی فرد نسبت به حالات درونی و برونی خود و دیگران تأثیر گذارد.

برزونسکی^۶ (۲۰۰۳) هویت را یک نظریه راجع به خویشتن می‌داند و معتقد است افراد به سبک‌ها و شیوه‌های مختلف به نظریه‌پردازی راجع به خود اقدام می‌کنند. بخشی از هویت خودآگاه و بخشی دیگر ناخودآگاه است و به زندگی فرد احساس همسانی و پیوستگی می‌دهد. دوره‌ی شکل‌گیری و تحکیم هویت در طی دوران نوجوانی است، یعنی هنگامی که ویژگی‌های زیست‌شناختی و فرایندهای عقلی باید انتظارات اجتماعی مربوط به عملکرد مناسب بزرگسالی را برآورده کنند. هویت به گذشته وابسته و تعیین‌کننده‌ی آینده است، چرا که در کودکی ریشه دارد و پایه و مبنایی است که وظایف زندگی آینده از طریق آن به ظهور می‌رسند و به عنوان یک پدیده‌ی روانی - اجتماعی هم در فرد و هم در فرهنگ رایج جامعه ریشه دارد. از نظر برزونسکی و کوک^۷ (۲۰۰۵) هویت، یک تصور و بازنمایی ذهنی از خود است و افراد برحسب استفاده از فرآیندهای شناختی و اجتماعی و فرض‌های خود ساخته برای حل مسایل شخصی و تصمیم‌گیری‌ها در استفاده از سبک‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. آنان سه نوع

1- Geula

2- Parker

3- Gitoni

4- identity

5- identity style

6- Berzonsky

7- Kuk

سبک هویت (اطلاعاتی^۱، هنجاری^۲ و اجتنابی^۳) را مشخص کردند که هر یک با ویژگی‌های منحصر به فرد خود مشخص می‌شود. در سبک هویت هنجاری فرد ارزش‌های مراجع قدرت و والدین را بدون چون و چرا می‌پذیرد. افراد دارای این سبک، انعطاف‌ناپذیرند و هدف‌های کاری و آموزشی مشخصی دارند که از بیرون کنترل می‌شود. در سبک هویت اجتنابی، فرد همواره به درخواست‌های موقعیتی واکنش نشان می‌دهد. این گروه با تعلق و درنگ زیاد در تصمیم‌گیری برای مسایل شخصی و هویتی مشخص می‌شوند. در سبک اطلاعاتی، فرد جستجوگر اطلاعات بوده، در مورد مفاهیم خود شکاک و نسبت به آگاهی‌های مربوط به خود گشاده‌اند و به پردازش و ارزیابی اطلاعات، قبل از تصمیم‌گیری می‌پردازند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵).

تحقیقات مختلف نشان می‌دهند که سبک‌های هویت با متغیرهای مرتبط با هوش معنوی و نیز هوش هیجانی در ارتباط قرار می‌گیرند. در همین رابطه، پارکر^۴ (۱۹۸۵) ادعا می‌کند که افراد بعد از تجربه‌ی یک بحران هویتی شدید اشغال مذهبی بالایی پیدا می‌کنند و تجربه کردن تعارض در فرایند اکتشاف هویت تعیین‌کننده‌ی اصلی تحول باورهای مذهبی است. تحقیقات مختلف نشان دادند از آنجا که افراد دارای هویت اطلاعاتی، اطلاعات مربوط به خود را جستجو و ارزیابی می‌کنند به پردازش نمادین و عمیق پدیده‌های مذهبی گرایش نشان می‌دهند و از آنجا که افراد دارای سبک هویت هنجاری با انتظارات و هنجارهای افراد مهم و گروه‌های مرجع هم‌نواپی می‌کنند تعلق خاطر بیشتری به مذهب داشتند (دوریز^۵، سوننز^۶ و بیبرز^۷، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶). در پژوهش‌های دوریز، اسمیتز^۸ و گوسنس^۹ (۲۰۰۷) مشخص شد که افراد دارای هویت اطلاعاتی به عمق مذهب گرایش دارند، افراد دارای هویت هنجاری تعلق خاطر بیشتری به مذهب پذیرفته‌شده به وسیله‌ی جامعه دارند و افراد دارای سبک هویت پراکنده‌ی اجتنابی زیاد به مذهب گرایشی ندارند. مغانلو، آگیلار و فای

1- informational

2- normative

3- avoidant

4- Parker

5- Duriez

6- Soenens

7- Beyers

8- Smits

9- Goossense

و شهرآرای (۱۳۸۸) در پژوهشی که در آن برای بررسی مذهب از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی اسلامی استفاده کرده بودند به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با ابعاد مذهب رابطه مثبت و بین سبک هویت نامتمایز و ابعاد مذهب رابطه منفی و معنادار وجود دارد. تحقیقات دیگر نشان می‌دهند که معنای زندگی با سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و با سبک هویت اجتنابی رابطه منفی معنادار دارد. بنابراین، افرادی که دیدگاه و باور روشنی درباره‌ی هویت خود دارند، در زندگی برای خود اهداف معینی را انتخاب کرده و معنایی برای زندگی خود قائل هستند. سبک هویتی فرد یکی از متغیرهایی است که بر معنای زندگی تأثیر دارد و می‌تواند در مثبت‌نگری فرد به زندگی نقش مهمی داشته باشد (بهادری خسروشاهی و محمد علیلو، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، عسکریان مقدم زنجانی، باقری، جزایری، ترکمان و امیری (۱۳۹۲) بین هوش هیجانی و سبک هویت در زنان افسرده و عادی به صورت جداگانه ارتباط معنی‌داری وجود داشت. در تحقیقی دیگر که بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی در شهر یزد انجام شد، یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معنادار ارزیابی شناختی از تعارضات والدین با مقابله‌ی هیجان-مدار کودک، مشغله‌ی ذهنی و کناره‌گیری بود و نیز اینها با سبک‌های هویت نوجوانی رابطه‌ی معنادار داشتند (دادفرنیا، نعیمی و یارمند، ۱۳۹۲). یافته‌های دیگر حاکی از آن هستند که سبک هویتی و میزان هوش هیجانی در انگیزه‌ی پیشرفت، موثر است در حالی که سبک هویتی، هوش هیجانی و انگیزه‌ی پیشرفت با عملکرد تحصیلی، ارتباط معناداری ندارد (کشاورزی ارشدی، ۱۳۸۸). قربانی و کاظمی (۱۳۹۰) نیز بیان می‌کنند که مؤلفه‌های هوش هیجانی از عوامل اثرگذار در اکتساب نوع هویت نوجوانان است. مؤلفه ارزیابی و بیان هیجانات و مؤلفه‌ی مهارت اجتماعی در هوش هیجانی در رابطه با بُعد هویت ارتباطی پیش‌بینی‌کننده‌ی بهتری بود و مؤلفه‌ی کاربرد هیجانات در رابطه با گرایش هویت جمعی بهتر قابل پیش‌بینی است.

رویکردهای معنوی به سلامت و علم، برای محققان و معلمان اخیراً مورد تأکید قرار گرفته است. برخی از تحقیقات به تأثیر معنویت بر روی سلامتی در کشورهای توسعه یافته، مدرسه‌های پزشکی، موضوعات معنوی در رابطه با دین، معنویت و سلامتی را شامل می‌شوند (سفارا^۱ و باتیا^۲، ۲۰۱۳). یکی از متغیرهای مهم روانشناختی در رابطه با معنویت که اخیراً به

^۱- Safara

^۲- Bhatia

حوزه روانشناسی معرفی شده است، هوش معنوی است. هوش معنوی به زندگی درونی ذهن و روان مرتبط می‌شود و رابطه‌ی آن بودن در دنیا است. هوش معنوی ظرفیتی را برای درک عمیق از سوال‌های وجودی و بینش در سطوح چندگانه از هشیاری را ایجاد می‌کند. هوش معنوی همچنین آگاهی از روان یا روح^۱ را به عنوان زمینه‌ی بودن یا به عنوان نیروی خلاق تکامل زندگی ایجاد می‌کند (وقان^۲، ۲۰۰۲). متخصصان سلامت روانی بین هوش معنوی و هیجانی تفاوت می‌گذارند و هوش معنوی (ظرفیت احساس، درک و حضور در بالاترین بخش خود، دیگران، و دنیا) را کشف خرد می‌دانند. از آنجایی که هدف روانشناسی رها کردن انسان از دودلی، نبود اعتماد بنفس، و رشد ویژگی‌های مثبت است. بنابراین، رشد هوش معنوی در انسان از دوران کودکی، می‌تواند درصد بالایی از اهداف روانشناسی را پوشاند و موجب گردد که افراد با اخلاق و روانشناسی دین‌آشنا تر شوند. امروزه در رشته روانشناسی گرایش به سمت ابعاد معنوی و پهنای گسترده‌ی آن روز افزون شده است که می‌تواند تأثیر عمیق نیروهای معنوی را بر روی جسم و ذهن آدمی را کشف و اهمیت هوش معنوی را آشکار کند (سفارا و باتیا، ۲۰۱۳). در واقع، با استفاده از هوش معنوی و با توجه به جایگاه، معنا و ارزش مشکلات، قادر خواهیم بود نسبت به حل مشکلات اقدام نماییم. در واقع هوش معنوی ما را قادر می‌سازد تا به کارها و فعالیت‌های خود معنا و مفهوم بخشیده و با استفاده از آن بر معنا و مفهوم عملکردمان آگاه شویم و دریابیم که کدام یک از اعمال و رفتارهای خود از اعتبار بیشتری برخوردارند و کدام مسیر در زندگی ما بالاتر و عالی‌تر است تا آن را الگوی زندگی خود قرار دهیم (احمدی، ۱۳۸۸).

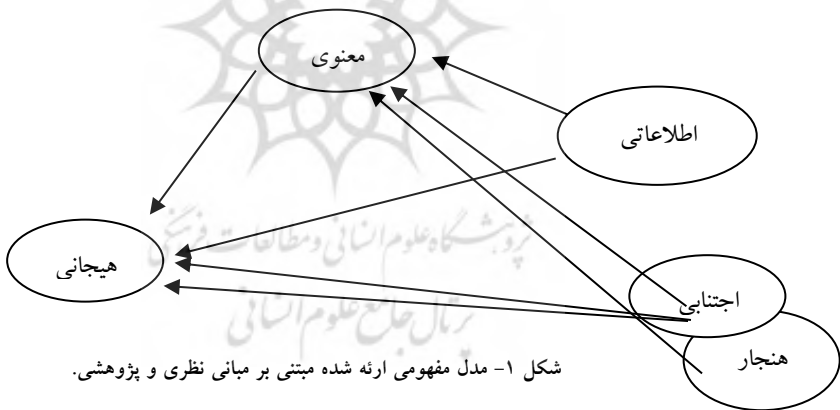
در تحقیقی که بر روی دانشجویان انجام شد نتایج نشان داد که هوش معنوی با هوش هیجانی رابطه دارد و این ارتباط در ابعاد مختلف هوش معنوی و هوش هیجانی مشاهده می‌شود. به عبارتی هوش معنوی بیشتر سبب هوش هیجانی زیاد می‌شود (ابراهیمی کوهبانی، دستجردی، وحیدی و قانی‌فر، ۲۰۱۳؛ اربابی سرچو، رقیب، رضازاده و سیادت، ۲۰۱۳؛ انیماسان^۳، ۲۰۰۸؛ فرامرزی، همایی و سلطان حسینی، ۱۳۸۸).

1- spirit

2- Vaughan

3- Animasahun

در نتیجه، با توجه به گستردگی اثرات هویت، هوش هیجانی و معنوی بر جنبه‌های مختلف زندگی و ارتباط آنها با دوره‌ی نوجوانی_ چرا که نخستین بار است که مردم و اجتماع به طور ویژه برای نوجوان برجسته می‌شوند_ لزوم شناسایی مدلی در جهت شناخت عوامل مرتبط با آن به نظر ضروری می‌رسد. در این مطالعه بر اساس مبانی نظری و پژوهشی فرض شده است که یکی از عواملی که در دوره‌ی نوجوانی می‌تواند بر هوش هیجانی نوجوانان تأثیر گذارد، انواع مختلف سبک‌های هویت است. همچنین، هوش معنوی نیز به عنوان اینکه می‌تواند دید فرد را نسبت به جهان درونی و برونی تعیین نماید، فرض شد که از نوع هویت افراد تأثیر پذیرفته و بر روی هوش هیجانی او تأثیر می‌گذارد. اگر چه رابطه بین تک تک متغیرها در پژوهش‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است با وجود این مدلی که تمامی متغیرهای مذکور را با هم مورد بررسی قرار دهد اندک بوده است. بنابراین، مدل مفهومی زیر در مطالعه‌ی حاضر ارائه شد:



شکل ۱- مدل مفهومی ارائه شده مبتنی بر مبانی نظری و پژوهشی.

روش

روش تحقیق در مطالعه‌ی حاضر همبستگی بود. جامعه‌ی آماری تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهرستان بم را شامل می‌شد. گروه نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از ۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر با میانگین سنی کلی ۱۶/۴۶ سال و انحراف

استاندارد ۰/۸۴ با دامنه‌ی از ۱۵ تا ۱۹ سال تشکیل شد. از این تعداد ۹۷ نفر در گروه رشته‌ی تجربی، ۴۱ نفر ریاضی و ۶۲ نفر انسانی بودند.

روش اجرا. محقق با کسب مجوزهای لازم با مراجعه به دو مدرسه در مقطع دبیرستان یکی دبیرستان دخترانه و دیگری دبیرستان پسرانه در شهرستان بم بعد از هماهنگی با مدیران مدرسه خود اقدام به اجرای تحقیق کرد. پیش از اجرای پرسشنامه‌ها در رابطه با نحوه‌ی پر کردن آنها به دانش‌آموزان اطلاعات کاملی داده شد و سپس با دادن وقت کافی از آنان خواسته شده که به دقت به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند.

ابزارها

پرسشنامه سبک‌های هویت: پرسشنامه سبک‌های هویت یک مقیاس ۴۰ سؤالی است که پاسخ‌ها در یک طیف لیکرتی پنج درجه‌ای (۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. یازده سؤال آن مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ سؤال آن مربوط به مقیاس هنجاری و ۱۰ سؤال آن مربوط به مقیاس اجتنابی یا سردرگم می‌باشد و ۱۰ سؤال باقی‌مانده مربوط به مقیاس تعهد هویت است که جزء سبک‌های هویت محسوب نشده و برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود (برزونسکی، ۱۹۹۲)، در نتیجه تعهد هویت در این مطالعه حذف گردید. برزونسکی (۱۹۹۲) آلفای کرونباخ برای سبک اطلاعاتی ۰/۶۲، سبک هنجاری ۰/۶۶ و سبک سردرگم یا اجتنابی را ۰/۷۳ گزارش کرده است. این پرسشنامه در ایران توسط غضنفری (۱۳۸۳) بر روی دانش‌آموزان اصفهانی مورد اعتباریابی قرار گرفته است که ضرایب همسانی درونی کل پرسشنامه ۰/۷۳، سبک‌های هویت اطلاعاتی ۰/۶۷، هنجاری ۰/۵۲، اجتنابی ۰/۶۲ و مقیاس تعهد ۰/۵۷ به‌دست آمد. در مطالعه‌ی حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی ۰/۶۸، سبک هنجاری ۰/۵۲ و سبک اجتنابی ۰/۵۶ بود.

پرسشنامه هوش هیجانی تجدید نظر شده شاته: پرسشنامه هوش هیجانه‌ای شامل ۴۱ سؤال است که برای سنجش هوش هیجانی خصیصه‌ای توسط آستین، ساکلوفسک، هانگ و مک‌کنی (۲۰۰۴) که در واقع نسخه تجدیدنظر شده مقیاس هوش هیجانی شاته و همکاران^۱ (۱۹۹۸) می‌باشد، ساخته شده است که بر مبنای مقیاس رتبه‌بندی پنج درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. آنان در مطالعه‌ی خود همسانی درونی

^۱- Schutte et al

کل آزمون را ۰/۸۵ گزارش کردند و سه عامل خوش‌بینی/تنظیم هیجانی، ارزیابی هیجان‌ات و بهره‌جویی از هیجان‌ات برای آن شناسایی شده است. ضرایب اعتبار از راه همسانی درونی برای این عامل‌ها به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۹۸ و ۰/۷۶ گزارش شدند. در ایران نیز این پرسشنامه توسط بخشی‌پور، زارعان و اسداله‌پور (۱۳۸۷) بر روی ۶۷۷ نفر دانشجوی دانشگاه تبریز اعتباریابی شده است. در مطالعه‌ی آنان با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی چهار عامل برازش خوبی نسبت به مدل سه عاملی با داده‌ها داشت. همچنین همسانی درونی کل مقیاس ۰/۸۴ و برای چهار عامل آن به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۵، ۰/۶۱ و ۰/۶۲ به دست آمد. در مطالعه‌ی حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۴۳ بود.

پرسشنامه هوش معنوی: پرسشنامه هوش معنوی ۴۲ ماده‌ای توسط بدیع، سواری، باقری دشت بزرگ و زادگان (۱۳۸۹) ساخته شده است که چهار عامل یا خرده مقیاس تفکر کلی و بُعد اعتقادی، توانایی مقابله و تعامل با مشکلات، پرداختن به سجایای اخلاقی و خودآگاهی و عشق و علاقه را شامل می‌شود که در یک طیف پنج درجه‌ی لیکرتی (۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم) پاسخ‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد. در مطالعه‌ی آنان ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۵ و ضریب تنصیف آن ۰/۷۸ بود که بیانگر پایایی قابل قبول پرسشنامه است. در مطالعه‌ی حاضر ضریب آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد.

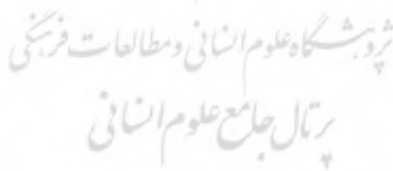
تجزیه و تحلیل داده‌ها. ابتدا از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) برای توصیف داده‌ها استفاده شد. ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون جهت بررسی رابطه‌ی متغیرهای مورد پژوهش به کار رفت. سپس، برای آزمون نقش واسطه‌گری از مدل معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار Amos 16.0 استفاده شد. جهت بررسی رابطه‌ی بین متغیر مکنون سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی _ به عنوان متغیرهای مستقل سوالات هر یک به عنوان نشانگر وارد مدل شدند_ و متغیر مکنون هوش هیجانی (به عنوان متغیر وابسته؛ چهار خرده مقیاس آن به عنوان نشانگر وارد مدل شدند) و متغیر مکنون هوش معنوی با چهار خرده مقیاس خود به عنوان متغیر واسطه‌ای در مدل قرار گرفت. برای بررسی معناداری اثر غیرمستقیم سبک‌های هویت بر روی هوش هیجانی از طریق هوش معنوی از روش جدید نمونه‌گیری خودگردان^۱ با ۱۰۰۰ نمونه‌گیری مجدد و با روش مونت کارلو^۱ در سطح اطمینان

^۱- bootstrap

۰/۹۵ استفاده شد. این روش بر مفروضه‌های خاصی چون حجم نمونه و نرمال بودن داده‌ها حساس نیست (پریچر^۲ و هایز^۳، ۲۰۰۸) در نتیجه می‌توان نرمال نبودن برخی از مؤلفه‌ها در پژوهش حاضر را جبران نماید.

نتایج

به منظور بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای مورد مطالعه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آن در جدول ۱ نشان داده شده است. هوش هیجانی با هوش معنوی ($r = ۰/۳۴$ ، $p < ۰/۰۰۱$)، سبک‌های هویت اطلاعاتی ($r = ۰/۳۶$ ، $p < ۰/۰۰۱$) و هنجاری ($r = ۰/۳۱$ ، $p < ۰/۰۰۱$) رابطه‌ی معنادار و مثبت داشت، اما با سبک هویت اجتنابی رابطه‌ی معناداری را نشان نداد. بعلاوه، بین هوش معنوی با سبک‌های هویت اطلاعاتی ($p < ۰/۰۰۱$)، و هنجاری ($r = ۰/۳۸$ ، $p < ۰/۰۰۱$) رابطه‌ی معنادار و مثبت وجود داشت، اما با سبک هویت اجتنابی رابطه‌ی معناداری وجود نداشت.



¹- Monte Carlo

²- Preacher

³- Hayes

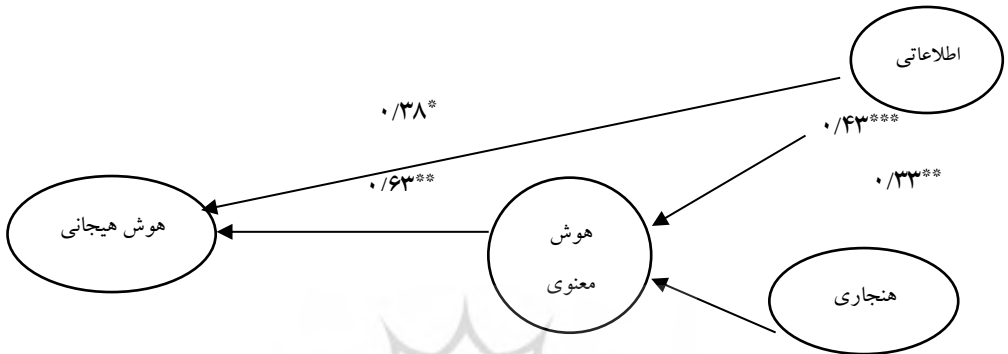
جدول ۱- میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مورد مطالعه (n= ۲۰۰)

میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۸۲/۷۷	۲۱/۰۲	۰/۴۳***	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۸۳/۳۹	۳/۲۹	۰/۳۵***	۰/۰۶	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۲/۷۵	۴/۰۹	۰/۳۵***	۰/۰۸	۰/۳۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۳/۹۱	۳/۷۷	۰/۴۳***	۰/۰۸	۰/۳۷	۰/۳۷	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۵/۰۸	۳/۶۰	۰/۴۳***	۰/۱۰	۰/۳۶	۰/۳۶	۰/۱۲	-	-	-	-	-	-	-
۱/۰۵E۲	۱/۸۰	۰/۳۴***	۰/۰۴	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۵	۰/۲۵	-	-	-	-	-	-
۲۵/۵۹	۷/۰۸	۰/۴۲***	۰/۱۳	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۲	-	-	-	-	-
۴۲/۱۵	۱۷/۸	۰/۳۰	۰/۳۳	۰/۳۷	۰/۳۷	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	-	-	-	-
۱۷/۰۲	۲۰/۷۶	۰/۴۳***	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	-	-	-
۳۸/۰	۱۳/۰	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	-	-
۳۸/۰	۱۳/۰	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	-
۳۸/۰	۱۳/۰	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۲۰

۰/۲۵***	-		
۰/۲۵***	۰/۲۵***	-	
۰/۰۷	۰/۳۰***	۰/۲۹***	
۰/۰۰	۰/۳۷***	۰/۴۰***	
-۰/۱۰	۰/۱۵*	۰/۱۰	
-۰/۱۳	۰/۳۷***	۰/۳۴***	
-۰/۰۸	۰/۳۹***	۰/۳۸***	
۰/۰۷	۰/۳۸***	۰/۴۰***	
۱۱/۰	-۰/۰۰	-۰/۰۳	
-۰/۱۷*	۰/۱۸***	۰/۲۵***	
۰/۰۷	۰/۱۷*	۰/۱۸***	
۰/۰۲	۰/۳۱***	۰/۳۳***	
۵/۸۳	۵/۱۵	۶/۱۷	
۲۸/۴۳	۲۲/۱۵	۲۶/۲۸	

به منظور بررسی نقش واسطه‌ای هوش معنوی در رابطه‌ی بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی با هوش هیجانی از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در این مدل جهت بررسی رابطه‌ی بین متغیر مکنون سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی _ به عنوان متغیرهای مستقل سوالات هر یک به عنوان نشانگر وارد مدل شدند_ و متغیر مکنون هوش هیجانی (به عنوان متغیر وابسته؛ چهار خرده مقیاس آن به عنوان نشانگر وارد مدل شدند) و متغیر مکنون هوش معنوی با چهار خرده مقیاس خود به عنوان متغیر واسطه‌ای در مدل قرار گرفت. در مدل اولیه یا مفهومی ابتدا تمامی مسیرهای ممکن از سبک‌های هویت (به صورت مستقیم و غیرمستقیم) و هوش معنوی به هوش هیجانی رسم گردید و مدل اجرا شد. سپس، تمامی مسیرهای غیرمعدار حذف شد. در نتیجه سبک هویت اجتنابی نیز به علت تأثیر غیرمعدار بر روی هوش معنوی و هیجانی از مدل حذف گردید. در آخر، مدل نهایی همان- طور که در شکل ۱ نشان داده شده است با داده‌ها برازش نسبتاً خوبی داشت ($\chi^2 = 554.421$, $df = 279$, $p = .000$, $\chi/df = 1.987$, $GFI = .836$, $CFI = .728$, $RMR = .904$, $RMSEA = .070$). نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی هم به صورت مستقیم ($\beta = 0.38$, $p < 0.05$) و هم غیرمستقیم ($\beta < 0.27$, $p < 0.01$) به طور معدار و مثبت بر روی هوش هیجانی تأثیر داشت. سبک هویت هنجاری تنها به- صورت غیرمستقیم ($\beta = 0.21$, $p < 0.05$) با هوش هیجانی رابطه معدار و مثبت داشت. علاوه، دیگر نتایج نشان داد که سبک‌های هویت اطلاعاتی ($\beta = 0.43$, $p < 0.001$) و هنجاری ($\beta = 0.33$, $p < 0.01$) به طور معدار و مثبت هوش معنوی را پیش‌بینی کردند.

همچنین، هوش معنوی ($\beta = 0.63, p < 0.01$) به طور قوی، معنادار و مثبت هوش هیجانی را پیش‌بینی کرد.



شکل ۲- نقش واسطه‌ای هوش معنوی در رابطه‌ی بین سبک‌های هویت و هوش هیجانی. توجه:

شاخص‌های برازش مدل عبارت بودند از، $GFI = 0.987, x^2/df = 1.987, p = 0.000, df = 279, x^2 = 554.421$.

$CFI = 0.836, RMR = 0.904, RMSEA = 0.070$.

$^{*}p < 0.05, ^{**}p < 0.01, ^{***}p < 0.001$

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه‌ی حاضر بررسی نقش واسطه‌ای هوش معنوی در رابطه‌ی بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی با هوش هیجانی بود. نتایج نشان داد که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با هوش هیجانی و معنوی رابطه‌ی معنادار و مثبت داشتند، اما سبک هویت اجتنابی با هیچ یک از آنها رابطه‌ی معناداری را نشان نداد. همچنین هوش معنوی با هوش هیجانی رابطه‌ی معنادار و مثبت را نشان داد. نتایج مدل واسطه‌ای نیز نشان داد که هوش معنوی واسطه‌ی رابطه‌ی بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با هوش هیجانی قرار گرفت. سبک هویت اطلاعاتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم هوش هیجانی را پیش‌بینی کرد، ولی سبک هویت هنجاری تنها به‌طور غیرمستقیم هوش هیجانی را پیش‌بینی کرد. با این وجود، سبک هویت اجتنابی به علت غیرمعنادار بودن پارامترهای آن از مدل حذف گردید.

از مهمترین یافته‌های پژوهش حاضر این بود که نقش واسطه‌ای هوش معنوی در رابطه‌ی بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با هوش هیجانی مورد تأیید قرار گرفت. بخشی از هویت خودآگاه و بخش دیگر آن ناخودآگاه است و به زندگی فرد احساس همسانی و پیوستگی می‌دهد. همچنین هویت به گذشته وابسته و تعیین‌کننده‌ی آینده است، چرا که در کودکی ریشه دارد و پایه و اساسی است که وظایف زندگی آینده از طریق آن به ظهور می‌رسند و به‌عنوان یک پدیده‌ی روانی - اجتماعی هم در فرد و هم در فرهنگ جامعه ریشه دارد (برزونسکی، ۲۰۰۳). بعلاوه، همان‌طور که برزونسکی و کوک (۲۰۰۵) بیان می‌کنند هویت یک تصور و بازنمایی ذهنی از خود است و افراد برحسب استفاده از فرآیندهای شناختی و اجتماعی و فرض‌های خود ساخته برای حل مسایل شخصی و تصمیم‌گیری‌ها در استفاده از سبک‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. در سبک اطلاعاتی، فرد جستجوگر اطلاعات بوده، در مورد مفاهیم خود شکاک و نسبت به آگاهی‌های مربوط به خود گشاده‌اند و به پردازش و ارزیابی اطلاعات، قبل از تصمیم‌گیری می‌پردازند. در سبک هویت هنجاری فرد ارزش‌های مراجع قدرت و والدین را می‌پذیرد. افراد دارای این سبک، انعطاف‌ناپذیرند و هدف‌های کاری و آموزشی مشخصی دارند که از بیرون کنترل می‌شود. بر این اساس نوجوانان دارای سبک هویت اطلاعاتی با تفحص و کاوش خود و نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری با قبول بی‌چون و چرای ارزش‌های والدین منجر به دیدی نسبت به دنیا و فرای آن در آنان می‌شود که ارتباط مستقیمی با معنا، هدف و غایتی که برای زندگی خود تصور کرده‌اند یعنی هوش معنوی در آنان می‌شود. همان‌طور که دوریز و همکاران (۲۰۰۷) بیان می‌کنند افراد دارای هویت اطلاعاتی به عمق مذهب گرایش دارند و افراد دارای هویت هنجاری تعلق خاطر بیشتری به مذهب پذیرفته‌شده به وسیله‌ی جامعه دارند. همچنین می‌توان گفت افرادی که دیدگاه و باور روشنی درباره‌ی هویت خود دارند، در زندگی برای خود اهداف معینی را انتخاب کرده و معنایی برای زندگی خود قائل هستند و آن می‌تواند در مثبت‌نگری فرد به زندگی نقش مهمی داشته باشد (بهادری خسروشاهی و محمد علیلو، ۱۳۹۱). البته این هوش معنوی ایجاد شده که به معنای کامیابی در جستجوی معنی زندگی و یافتن یک مسیر اخلاقی و درک معنویت و ارزش‌ها در زندگی شخصی و روابط بین فردی اشاره دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۶) در افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی به‌وسیله‌ی کاوش به‌دست می‌آید که متعاقباً تعهد همراه با آگاهی به آن را به دنبال

دارد، اما در افراد دارای سبک هویت هنجاری صرفاً دید و نگرش جامعه و فرهنگ رایج آن را قبول می‌کنند بدون آنکه چرایی برای آن داشته باشند. بنابراین، بر طبق فرهنگ و نوع ارزش-هایی که در آن رشد می‌یابند دید آنان نیز می‌تواند به معنا و غایت زندگی (هوش معنوی) نیز عوض شود. از این‌رو، با توجه به شهری که در آن مطالعه‌ی حاضر انجام شد و هم‌هی نوجوانان مسلمان بودند این خود احتمالاً در رابطه‌ی مثبت به‌دست آمده بین سبک هویت هنجاری و هوش معنوی بی‌تأثیر نبوده است. لذا پیشنهاد می‌شود در جوامعی که نوع دین آنان تفاوت دارد یا به نوعی الحادی هستند نیز این مطالعه تکرار شود. بعلاوه، این نوع دید و تعبیر حالات و پدیده‌های درونی و برونی (هوش معنوی) بر نحوه‌ای که فرد بر هیجانات خود و دیگران را تفسیر کرده و به آن‌ها واکنش یا پاسخ می‌دهد (هوش هیجانی) را تعیین می‌کند.

بنابراین، بر طبق مدل ارائه شده در این مطالعه سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری از آنجایی که از کودکی در فرد شروع به شکل‌گیری می‌کند و علاوه بر جنبه‌های بیولوژیکی بیشتر مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های جامعه هستند هر یک به نوعی (اطلاعاتی با کاوش و هنجاری با قبول ارزش‌های جامعه) دید و معنایی را که فرای شخصی است در رابطه با پدیده-های درونی و برونی شکل می‌دهند که از آن به هوش معنوی یاد می‌شود. در نتیجه هوش معنوی با توجه به دید و شناختی که به فرد می‌دهد در تنظیم حالات هیجانی فرد و واکنش مناسب نسبت به آن (هوش هیجانی) تعیین‌کننده است. البته باید این را نیز در نظر گرفت که برآزش مدل تحقیق نسبتاً خوب و برخی از شاخص‌ها در حد مورد قبول نبودند. این مورد به ویژه در رابطه با شاخص CFI احتمالاً این واقعیت را منعکس می‌تواند که این شاخص به‌وسیله تعداد زیادی از نشانگرها یا متغیرهای مشاهده شده و درجات آزادی مطالعه تحت سوءگیری قرار گرفته است (کنی^۱ و مک‌کوچ^۲، ۲۰۰۳).

در رابطه با اینکه مسیر سبک هویت اجتنابی بر روی هوش معنوی و هیجانی معنادار نبود می‌توان بیان کرد که از آنجایی که در سبک هویت اجتنابی، فرد همواره به درخواست‌های موقعیتی واکنش نشان می‌دهد و با تعلق و درنگ زیاد در تصمیم‌گیری برای مسایل شخصی و هویتی مشخص می‌شوند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵)، آنان هنوز نتوانسته‌اند یک مسیر اخلاقی و معنوی برای خود پیدا کنند و نسبت به حالات دورنی و برونی خود آگاهی نداشته و به

¹- Kenny

²- McCoach

شیوه‌ی دمدمی پاسخ می‌دهند. تحقیقات نیز نشان داده‌اند که سبک هویت اجتنابی با گرایش به مذهب (یا به نوعی معنویت) از خود نشان نمی‌دهند (دوریز و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین، می‌توان ادعا کرد که آنان دیدگاه ثابتی در رابطه با خود، دیگران و به طور کلی جهان پیدا نکرده‌اند و واکنش آنها نسبت به حالات درونی و برونی خود و دیگران بیشتر وابسته به موقعیت است نه کنش فردی. از این‌رو، آن با هوش معنوی و هیجانی رابطه‌ی خشی داشت.

با توجه به اینکه هوش هیجانی در بسیاری از جنبه‌های مختلف زندگی نوجوان از تحصیل و سازگاری در محیط مدرسه گرفته تا موفقیت در برقراری ارتباط با دیگران و سازگاری در جامعه و از آنجایی که هوش هیجانی قابلیت یادگیری و آموزش دارد (خویشتن دار، ۱۳۸۵) برای بسط و پرورش آن باید به نوع هویت و همچنین هوش معنوی نوجوانان توجه شایان شود. لزوم شروع آموزش در دوره‌ی ابتدائی و راهنمایی به کودکان در رابطه با روح تفحص و کاوش‌گرایی، تفکر انتقادی و لزوم پردازش و ارزیابی اطلاعات قبل از پذیرفتن ادعاها زمینه‌ای را در دوره‌ی نوجوانی برای نوجوان آماده می‌کند که گرایش به یافتن سبک هویت اطلاعاتی پیدا کند؛ این خود موجب می‌گردد که نوجوان مسیر اخلاقی و دیدگاه مثبت به خود، دیگران و دنیا پیدا کرده (هوش معنوی) و همچنین در برقراری ارتباط سالم با خود و دیگران توانا گردد. بعلاوه، توجه به هوش معنوی و آموزش آن به‌خصوص در دوره‌ی نوجوانی تأثیر مهمی را بر روی کیفیت زندگی آنان داشته و کسب اهداف و حل مشکلات را تسهیل می‌سازد (حسینی، الیاس، اریک کرامن و ایشا، ۲۰۱۰)، و بر کنش و واکنش مناسب به هیجانات خود و دیگران تأثیر می‌گذارد که این عوامل خود به تنهایی و همچنین با افزایش هوش هیجانی در نوجوان بی‌شک زمینه‌ساز آینده‌ی روشن و نویدبخش برای او خواهند بود.

منابع

- ابراهیمی، ناهید. (۱۳۸۶). هوش معنوی. دسترسی در ۱۳۹۳/۷/۲۰ از وب سایت: <http://mardomsalari.com/template1/News.aspx?NID=5762>
- احمدی، سید جعفر. (۱۳۸۸). از موج به اوج: بحثی پیرامون هوش معنوی و معنی‌داری زندگی. همایش ملی معنی‌داری زندگی. اصفهان.
- بخشی‌پور، عباس، زارعان، مصطفی و اسداله‌پور، امین. (۱۳۸۷). ویژگی‌های روانسنجی مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاته (MSEIS). روانشناسی ۱۲(۴)، ۴۴۴-۴۲۹.

بررسی نقش واسطه‌گری هوش معنوی در رابطه بین سبک‌های هویت و هوش هیجانی در ...
 The Role of Mediating Spiritual Intelligence in the Relationship between Identity Styles

بدیع، علی، سواری، الهام، باقری دشت بزرگ، نجمه و لطیفی‌زادگان، وحیده. (۱۳۸۹). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی. اولین همایش ملی روانشناسی دانشگاه پیام نور. تبریز.

بهادری خسروشاهی، جعفر و محمود علیلو، مجید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سبک‌های هویت با معنای زندگی در دانشجویان. مطالعات روانشناختی، ۸(۲)، ۱۴۳-۱۶۴.

دادفرنیآ، شکوفه، نعیمی، مریم و یارمند، سپیده. (۱۳۹۲). ارزیابی شناختی، سبک مقابله با تعارض والدین و سبک‌های هویت نوجوانی: بررسی نقش واسطه‌ای سبک مقابله با تعارض. ششمین همایش بین‌المللی روانپزشکی کودک و نوجوان. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.

شرفی، محمدرضا (۱۳۸۳). مراحل رشد و تحول انسان تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

عسکریان مقدم زنجانی، ه. م.، باقری، فربرز، جزایری، سید مجتبی، ترکمان، محمد و امیری، حمید. (۱۳۹۲). مقایسه هوش هیجانی و سبک‌های هویت در زنان مبتلا به اختلال افسردگی اساسی و زنان عادی مبتلا به اختلال افسردگی اساسی و زنان عادی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۴(۲)، ۱۰۹-۱۱۹.

غضنفری، احمد. (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G). مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱۵(۱)، ۸۱-۹۴.

فرامرزی، سالار، همایی، رضا، سلطان حسینی، محمد. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان. دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۳(۵)، ۷-۲۳.

قادری، داود و مصطفائی، علی. (۱۳۹۱). سبک‌های هویت و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر و پسر. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۰(۴)، ۱۳۷-۱۵۸.

قربانی، م.، و کاظمی، ح (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین گرایش‌های هویتی نوجوانان و مؤلفه‌های هوش هیجانی. همایش منطقه‌ای روانشناختی کودک و نوجوان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه. کرمانشاه.

کشاورزی ارشدی، فرناز. (۱۳۸۸). تاثیر سبک هویتی و هوش هیجانی در پیش‌بینی انگیزه‌ی پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد. اندیشه و رفتار، ۴(۱۳)، ۵۶-۴۳.

گیتونی، م. (۱۳۸۰). هویت و هوش هیجانی، به انضمام واژه‌نامه توصیفی (ترجمه‌ی پری‌چهر به‌کیش). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ندارد).

مغانلو، مهناز، آگیلار وفاپی، مریم و شهرآزادی، مهرناز. (۱۳۸۸). رابطه‌ی سبک‌های هویت و دینداری در دانشجویان. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۴، ۳۷۷-۳۸۷.

Animasahun, R. A. (2008). Predictive estimates of emotional intelligence, spiritual intelligence, self-efficacy and creativity skills on conflict resolution behaviour among the NURTW in the South-Western Nigeria. *Pakistan Journal of Life and Social Sciences*, 6(2), 68-74.

Animasahun, R. A. (2010). Intelligent quotient, emotional intelligence and spiritual intelligence as correlates of prison adjustment among Inmates in Nigeria prisons. *Journal of Social Sciences*, 22(2): 121-128.

Arbabisarjou, A., Raghbi, M., Rezazade, S., & Siadat, S. A. (2013). The relationship between emotional intelligence, spiritual intelligence, and students' academic achievement. *World of Sciences Journal*, 1(8), 45-51.

- Austin, E. J., Saklofske, D. H., Huang, S. H. S., & McKenney, D. (2004). Measurement of trait emotional intelligence: Testing and cross-validating a modified version of Schutte et al.'s (1998) measure. *Personality and Individual Differences*, 36(3), 555-562.
- Bar-On, R. & Parker, J. D. A. (2000), *Handbook of emotional intelligence*. Sanfrancisco: Jossey-Bass.
- Bar-On, R. (1997). *Bar-On Emotional Quotient Inventory (Bar-On EQ-i): Technical manual*. Toronto, Canada: Multi-Health Systems Inc.
- Berzonsky, M. D. (1992). *Identity Style Inventory (ISI3) revised version*. Unpublished manuscript.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-Being: Does commitment Matter?. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 131- 142. doi: 10.1207/S1532706XID030203.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2005). Identity style, psychosocial maturity and academic Performance, personality and individual different. *European Journal of Personality*, 39(1), 235-247.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2005). Personality, identity styles, and religiosity. An integrative study among late adolescents and middle adolescents. *Journal of Adolescence*, 35, 1-15.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles, and religiosity. An integrative study among late adolescents and middle adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 119-135.
- Duriez, B., Smits, I., & Goossense, L. (2007). The relation between identity styles and religiosity in adolescence: Evidence from a longitudinal perspective. *Personality and Individual Differences*, 44, 1022-1031.
- Duriez, B., Soenens, B., & Beyers, W. (2004). Personality, identity styles, and religiosity. An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality*, 72, 877-910.
- Ebrahimi Koohbanani, S., Dastjerdi, R., Vahidi, T., & Ghani Far, M. H. (2013). The relationship between spiritual intelligence and emotional intelligence with life satisfaction among Birjand gifted female high school students. *Proceedings of Social and Behavioral Sciences*, 84, 314 - 320. 3rd World Conference on Psychology, Counselling and Guidance. WPCPG-2012 doi: 10.1016/j.sbspro.2013.06.558
- Geula, K. (2004). *Emotional intelligence and spiritual development*. Paper presented at the Forum for Integrated Education and Educational Reform sponsored by the Council for Global Integrative Education, Santa Cruz, CA, October 28-30. Retrieved [date], from <http://chiron.valdosta.edu/whuitt/CGIE/guela.pdf>.
- Hosseini, M., Elias, H., Eric Krauss, S., & Aishah, S. (2010). A Review study on spiritual intelligence, adolescence and spiritual intelligence, factors that may contribute to individual differences in spiritual intelligence, and the related theories. *International Journal of Psychological Studies*, 2(2), 179-188.
- Jonker, C., & Vosloo, C. (2008). The psychometric properties of the Schutt et al Emotional Intelligence Scale. *Empirical Research*, 34(2), 21-30.
- Kenny, D., & McCoach, D. (2003). Effect of the number of variables on measures of fit in structural equation modeling. *Structural Equation Modeling*, 10, 333-351.
- Parker, M. S. (1985). Identity and the development of religious thinking. *New Directions for Child Development*, 30, 43-60.
- Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effects in multiple mediator models. *Behavior Research Methods*, 40(3), 879-891. doi: 10.3758/BRM.40.3.879.
- Safara, M., & Bhatia, M. S. (2013). Spiritual intelligence. *Delhi Psychiatry Journal*, 16(2), 412-423.

The Role of Mediating Spiritual Intelligence in the Relationship between Identity Styles ...

- Salami, S. O. (2010). Emotional intelligence, self-efficacy, psychological well-being and students' attitudes: Implications for quality education. *European Journal of Educational Studies*, 2(3), p 247.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, J. T., Golden, C. J., & Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Vaughan, F. (2002). What is spiritual intelligence?. *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2), 16-33.
- Vaughan, F. (2003). what is spiritual intelligences?. *Journal of Humanistic Psychology*, 42, 6-23.

